

کارکردهای مهمانی در سبک زندگی اسلامی

نصرالله نظری*

سیدحسین شرف‌الدین**

چکیده

نوشتار پیش‌رو، کوششی است برای بررسی کارکردهای مهمانی در سبک زندگی اسلامی. این بررسی با ارجاع به منابع روایی و با تکیه بر روش تفسیری و تحلیل محتوای متون صورت گرفته و مشخص شده است که سبک زندگی به معنای مجموعه انتخاب‌های نمادین و دلالت‌مند، دارای عناصر و جلوه‌های گوناگونی است که در عرصه روابط اجتماعی، سنت مهمانی، یکی از مهم‌ترین آنها است. این سنت علاوه بر تجلیات عینی و صورت‌های نمادین که بازگوکننده سبک زندگی اسلامی است، دارای آثار و کارکردهایی است که مجموع حیات اجتماعی مسلمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سهم مؤثری در تمدن‌سازی اسلامی به عهده می‌گیرد. این آثار که در واقع همان یافته‌های پژوهش به‌شمار می‌روند، در ارتباط با حیات اخروی انسان عبارتند از: «آمزش الهی» و «ورود به بهشت و رهایی از جهنم». اما در حیات مادی به تناسب ویژگی‌های سبک زندگی نظیر «انتخاب»، «الگومندی» و «نمادین بودن»، «تعیین محدوده‌های انتخاب»، «ارائه الگوهای رفتار» نظیر رفتارهای پیوندجویانه، صمیمانه، عاطفی، و مبتنی بر اعتماد اجتماعی از جمله این کارکردها است. مضاف بر این که مهمانی از طریق پرکردن اوقات فراغت، جنبه‌های نمادین نیز پیدا کرده و از این طریق نیز اعمال کارکرد می‌کند.

* دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم اجتماعی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول). . fikri310@yahoo.com

** عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). sharaf@qabas.net

کلیدواژه‌ها: مهمانی، سبک زندگی، کارکرد، انتخاب، الگومندی، نمادین بودن.

مقدمه

سبک زندگی به دلیل آن که محتوای نرم‌افزاری تمدن اسلامی را تأمین می‌کند، موضوع بسیار مهمی است که همواره باید مورد توجه قرار گیرد. این که ما چگونه باید زندگی کنیم و کدام سبک را برای زیستن خویش برگزینیم، تأثیر شگرفی بر وضعیت اجتماعی و تمدنی ما دارد. به عبارت دیگر، آنچه اکنون با آن مواجهیم و وضعیتی را که به لحاظ مادی و معنوی تجربه می‌کنیم، چیزی جز محصول سبکی نیست که برای زندگی خود انتخاب کرده‌ایم. ما از طریق گزینش و انتخاب آموزه‌هایی که سبک زندگی مان براساس آن رقم خورده است، دچار وضعیتی هستیم که جایگاه ما در مسیر پیشرفت و توسعه را مشخص می‌سازد. این که در این وضعیت تا چه اندازه با توسعه مطلوب اسلام فاصله داریم و برای کاهش فاصله مورد نظر چه کارهایی باید انجام دهیم، چاره‌ای نیست جز این که سبک زندگی خویش را بازخوانی کنیم. امری که نیازمند ارائه تعریف دقیق سبک زندگی و تعیین عرصه‌های آن است. این نوشتار با در نظر داشت این که روابط اجتماعی یکی از عرصه‌های مهم سبک زندگی است و سنت مهمانی در آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به دنبال آن است تا کارکردهای این سنت را در سبک زندگی اسلامی مطالعه کند. بر همین اساس، خواهد کوشید تا به سؤال اساسی زیر پاسخ دهد: کارکردهای مهمانی در سبک زندگی اسلامی کدام است؟ پرواضح است که پاسخ به این پرسش، هدف نگارش این متن را نیز معین می‌سازد. به بیان دیگر، آنچه می‌توان از آن به عنوان هدف نوشتار پیش‌رو نام برد، شناسایی کارکردهای مهمانی، بویژه آن دسته از کارکردهایی است که در روابط اجتماعی ظهور و بروز می‌یابد و از طریق اعمال آن، تأثیر سبک زندگی بر تعالی و توسعه جامعه انسانی مدلل می‌شود. ناگفته نماند که توفیق در شناسایی کارکردهای مورد نظر و دستیابی به هدف تعیین شده، مستلزم آن است تا انجام مطالعه کنونی با روش مشخص و قابل دفاعی صورت گیرد؛ امری که از ضرورت آن واقف بوده و در نوشتار کنونی بدان توجه کرده‌ایم. به این ترتیب که پس از انجام مطالعات اکتشافی و استخراج آن دسته از آموزه‌هایی که در مصادر روایی در رابطه با موضوع مهمانی وجود دارد، به تحلیل محتوای آن‌ها پرداخته شده و براساس نتایج به دست آمده ساختار متن مرتب شده است.

(۱) مفهوم‌شناسی

پیش از بررسی کارکردهای مهمانی در سبک زندگی اسلامی، ضروری است تا برداشت مورد نظر از مفاهیم اصلی نوشتار مشخص شود، بدین منظور در ادامه، مفاهیم سبک زندگی و مهمانی مورد مطالعه قرار گرفته و تعریف مورد نظر از آن ارائه می‌شود:

الف) مهمانی

مهمانی معادل واژه «الضيافة» در زبان عربی است که از ریشه «ض.ی.ف» است و به معنای «رغبت داشتن» و «تمایل داشتن» در نظر گرفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳، ۳۸۰). راغب اصفهانی، معتقد است که اصل ضیف، رو کردن و تمایل داشتن است. وقتی گفته می‌شود: «ضِفْتُ إِلَى كَذَا، وَأَضِفْتُ كَذَا إِلَى كَذَا» یعنی به فلان چیز رو کردم، یا فلان چیز را به فلان چیز متمایل کردم (راغب، ۱۴۱۲، ۵۱۳) معانی دیگری نیز همچون «تمایل، طلب، امنیت، پناه خواستن» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۸، ۵۲)، «انس گرفتن و انس دادن، نزدیکی، سرپناه دادن و افزودن کسی به خانه و مشارکت او با اهل خانه در جا، خوراک و گفتار» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹، ۲۰۸؛ ابن فارس، همان)، برای این واژه ذکر شده که به نظر می‌رسد معنای «تمایل» در همه‌ی آن‌ها به نوعی وجود دارد.

در زبان انگلیسی، این مفهوم معادل واژه‌های «party» و «banquet» است. در برخی دانشنامه‌ها واژه banquet معادل مهمانی، ضیافت، سور و بزم و واژه party معادل تیم، گروه، دسته هم‌فکر، حزب، دسته متشکل، جمعیت، بزم، مهمانی دادن یا مهمانی رفتن شمرده شده است (حق‌شناس، ۱۳۸۰). باتوجه به دلالت‌های معناشناختی واژه‌های مذکور، چنین به نظر می‌رسد که واژه party از گستره معنایی نسبتاً بیشتری برخوردار است؛ این که این واژه بیشتر بر روابط نسبتاً پایدار و مداوم و دارای قابلیت تکرار اطلاق می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در واژه party موضوع اطعام و یا صرف طعام، تنها بخشی از انگیزه یا نتیجه ارتباط است؛ چه ممکن و محتمل است که در مواردی party بدون صرف طعام برگزار شود.

واژه شناسان زبان فارسی، نیز واژه‌های مذکور را ناظر به وضعیت و موقعیتی می‌دانند که در ضمن آن فردی یا گروهی بر فرد یا گروه دیگر، اعم از این که با دعوت باشد یا بدون دعوت، وارد شود (حمیدی، بی تا، ۴۹) و این ورود با احترام، اطعام و پذیرایی در حد معمول همراه باشد (دهخدا، ۱۳۷۷). طبق این معنا، مهمانی و میزبانی نوعی رفتار و کنشی است که در آن افراد به صورت اختیاری و انتخابی، فراتر از انگیزه‌های مادی و غالباً از روی دواعی عاطفی و اخلاقی با یکدیگر وارد تعامل می‌شوند. این تعامل، اگر چه در مواردی مستلزم هزینه‌های مادی است اما از نوع تعاملات ارزشی و دارای پیام و نتیجه عاطفی - اخلاقی شمرده می‌شود.

مهمانی هم‌چنین از مؤلفه‌های برجسته سبک زندگی در همه فرهنگ‌های بشری شمرده می‌شود؛ چه مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی یعنی انتخابی بودن، مرجح بودن و نمادین بودن در آن محسوس و مشهود است. به بیان دیگر، مهمانی به عنوان یک کنش مرجح و یک هنجار اجتماعی، متضمن مجموع رفتارهای به هم پیوسته و دارای معانی نمادین و راز و رمز داری است که

فهم آنها غالباً برای اعضای فرهنگ و جامعه مربوط، روشن و آشکار است. این کنش و رفتار نمادین غالباً حسب ویژگی‌ها و اقتضائات جوامع مختلف در قالب دعوت (یا احراز رضامندی پیشینی میزبان در تعاملات دوستان و خویشاوندان و عدم وجود دعوت صریح)، اجابت دعوت، تشریفات و تعارفات، گفت‌وگوها، پذیرائی‌ها و مجموعه‌ای از تعاملات عاطفی تبلور می‌یابد.

ب) سبک زندگی

سبک زندگی از دو واژه «سبک» و «زندگی» ترکیب یافته و برابر با کلمات «style» و «life» به کار می‌رود. این مفهوم به لحاظ واژه‌شناختی بر معانی نوع، روش، مد، عادت و قواعد زندگی دلالت دارد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ۴۷). به لحاظ مفهومی نیز این واژه بسته به این که در کدام حوزه معرفتی مطرح شود، دارای معانی و کاربردهای متفاوتی است. در ادبیات جامعه‌شناختی، دو برداشت از آن وجود دارد: برداشت اول سبک زندگی را به منزله ثروت و موقعیت اجتماعی افراد در نظر می‌گیرد و از آن به عنوان شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی افراد استفاده می‌کند. در برداشت دوم، سبک زندگی در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته به ویژه رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌شود. در این معنا سبک زندگی راهی برای شناخت نگرش‌ها، ارزش‌ها، و رفتارهای افراد در نظر گرفته می‌شود که بسیار مستقل از وضعیت طبقاتی آن‌ها و اغلب مبتنی بر عاملیت و انتخاب‌های انسانی است (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱، ۶).

در این حوزه آن‌گونه که در مطالعات جامعه‌شناختی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مطرح شده، سبک زندگی به الگوهای مصرف (اعم از کالاهای مادی و نمادین) و کاربردهای آن در میان گروه‌ها و طبقات گوناگون اجتماعی اشاره دارد. البته در مطالعات پسینی و اغلب فرهنگی، سبک زندگی بیشتر ناظر به هویت گروهی یا فردی عاملان اجتماعی مطرح می‌شود؛ زیرا در رویکردهای مدرن، بیان هویت معمولاً از طریق گزینش‌های معنادار صورت می‌گیرد. گزینش‌هایی که به عنوان رمزهای نمادین از میان انبوهی از اقلام و الگوهای معین رفتاری انجام می‌شود (ادگار، ۱۳۸۷، ۱۷۲).

به غیر از این حوزه و در رویکرد روان‌شناختی، سبک زندگی مطالعه ارزش‌ها و هنجارها دانسته می‌شود و در آن توجه بیشتری به ریشه و منشأ رفتارها نشان داده می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۳، ۶۵-۸۰). در این رویکرد، سبک زندگی در مجموع به مثابه شخصیت تلقی و چنین تعریف می‌شود:

سبک زندگی شامل مجموعه رفتارهایی است که به وسیله یک شخص، برای جبران کهنتری واقعی یا خیالی، نشان داده می‌شود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۰، ۲، ۳۴۰).

براساس تعریف فوق، سبک زندگی در حقیقت نوعی نظریه‌پردازی درباره شخصیت آدمی

است. شخصیتی که مجموعه‌ای از نگرش‌ها و رفتارهای خلاقانه برای دستیابی به اهداف خویش، در مواجهه با محدودیت‌ها، موانع و احساس کمبودها از آن بهره می‌گیرند و نمادها و سبک‌های رفتاری مشخصی را به وجود می‌آورند. به بیان دیگر، وقتی آدلر از فرآیندهای تکون شخصیت سخن به میان می‌آورد، در واقع شالوده‌ها و مکانیسم اصلی شکل‌گیری سبک زندگی را توضیح می‌دهد؛ چراکه از منظر او، هر فردی با توجه به شناخت‌ها و محدودیت‌های زندگی خویش، اهداف خاصی خواهد یافت که برای نیل به آن می‌کوشد. برآیند این کوشش و حرکت، جلوه‌های خاص رفتاری است که در ویژگی‌های شخصیتی فرد ریشه دارد و می‌توان آن را سبک زندگی خواند. بنابراین، از منظر آدلر سبک زندگی، مجموعه راه‌حل‌های خلاقانه‌ای است که افراد برای غلبه بر چالش‌های محیطی بر می‌گزینند و پلی به سوی اهداف خویش ایجاد می‌کنند. علاوه بر دو رویکرد فوق، سبک زندگی با رویکرد دین‌شناسانه نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. در این رویکرد، تعریف زیر از سبک زندگی ارائه می‌شود:

مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده، و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، جهت غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند (شریفی، ۱۳۹۲، ۲۱).

این‌که از مجموعه دیدگاه‌های فوق، کدام یک به‌درستی می‌تواند سبک زندگی را مفهوم‌سازی کند، مسأله‌ی مهمی نیست. مهم آن است که بدانیم در اغلب دیدگاه‌های موجود، سبک زندگی چیزی بیش از عینیت محتوای شناختی و عاطفی عاملان اجتماعی نیست که به صورت انتخابی و براساس ذوق و قریحه افراد به‌منصه ظهور می‌رسد. بر این اساس، در مورد تعریف سبک زندگی می‌توان گفت:

سبک زندگی مجموعه‌ای از انتخاب‌ها و ترجیحات الگومندی است که افراد، آن‌ها را نه‌تنها برای برآوردن نیازهایشان، بلکه همچنین به‌منظور بیان تمایز و وابستگی خود به‌کار می‌گیرند. برپایه این تعریف، عناصر اصلی سبک زندگی به سه عنصر اساسی ارجاع می‌یابند. این عناصر عبارت‌اند از: انتخاب، الگومندی، و سرانجام دلالت‌مندی یا نمادین بودن (جمعی از مؤلفان، ۱۳۹۴، ۲۱۳-۲۲۵).

«انتخاب»، عنصر مرکزی سبک زندگی به‌شمار می‌آید. به‌همین دلیل بیشتر محققان معتقدند که سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی کاربرد چندانی ندارد؛ چون با نوعی انتخاب از میان امکان‌های پرشمار موجود همراه است. در جهان سنتی، زندگی اغلب در مجرای کانال‌های تقریباً ازپیش‌تعیین‌شده جریان می‌یافت، اما در دوران مدرن، افراد با تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن روبه‌رو هستند. پیامد اصلی توسعه‌ی عاملیت و انتخاب‌گری انسان، اهمیت یافتن سبک

زندگی و حتی اجتناب‌ناپذیری آن برای افراد و عاملان بوده است (گیدنز، بی تا، ۱۱۹-۱۲۰).

دومین ویژگی اصلی سبک زندگی، الگومندی آن است؛ یعنی مجموع انتخاب‌هایی که افراد درباره اعمال و استفاده از کالاهای مادی یا فرهنگی صورت می‌دهند، خود یک کلیت هم‌بسته را شکل می‌دهد که دارای انسجام درونی، نظام‌مندی و الگوی مشخص است. الگومندی، همچنین بدین معناست که سبک زندگی یک صورت‌بندی اجتماعی است و تا حد بسیاری در باورها و ذهنیت مشترک افراد ریشه دارد. از این رو همگان آن را درک می‌کنند و تشخیص می‌دهند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ۷۴). به بیان دیگر، سبک زندگی، مجموعه‌ای از ترجیحات فردی است، اما ماهیت فردی ندارد؛ یعنی امر معنادار جمعی و نظامی از کنش‌ها و رفتارهای الگومند است که برای دیگران نیز قابل فهم است و معانی خود را از زمینه‌های اجتماعی و ذهنیت جمعی می‌گیرد. بنابراین انتخابی بودن سبک زندگی، به معنای مجموعه‌ای از گزینش‌های بی‌ضابطه فردی نیست؛ چراکه این شیوه زیست معمولاً بین تعداد قابل توجهی از مردم عمومیت دارد؛ و گرنه در غیر این صورت، توضیح تفاوت سبک زندگی از طبایع فردی و یا غرابت‌های رفتاری غیرممکن به نظر می‌رسد (چینی، ۱۳۷۸، ۲۲).

سومین ویژگی اساسی سبک زندگی، حیثیت دلالت‌مندی و نمادین بودن آن است. نمادین بودن سبک زندگی در عام‌ترین برداشت، یعنی آنچه شالوده شیوه‌های زندگی عاملان اجتماعی را در جهان مدرن شکل می‌دهد، رمزها و نمادهای فرهنگی است، نه جایگاه‌های عینی و طبقاتی افراد. به بیان دیگر، در چشم‌انداز سبک زندگی، تبیین‌های مادی‌گرایانه کنش که سال‌های طولانی بر تبیین‌های اجتماعی سیطره داشت، جای خود را به نوعی اصالت فرهنگ داده است. در تحلیل‌های کلاسیک، اغلب موقعیت طبقاتی افراد، اصل مولد شیوه‌های زندگی شمرده می‌شد؛ اما در چشم‌انداز مدرن سبک زندگی، آنچه بنیان حیات جمعی را می‌سازد - به تعبیر بوردیو^۱ - سرمایه‌های فرهنگی است، نه سرمایه اقتصادی.

نمادین بودن سبک زندگی در برداشت محدودتر آن، وسیله و ابزاری است برای بازنمایاندن و نشان‌دادن چیزی مانند منزلت، هویت و تمایزات فردی و گروهی. به تعبیر گیدنز^۲، سبک زندگی را می‌توان مجموعه شیوه‌های رفتاری کم‌و بیش به هم پیوسته و هم‌سازی دانست که افراد به آن‌ها توسل می‌جویند؛ نه فقط بدین سبب که چنین شیوه‌هایی تأمین‌کننده نیازهای مادی و نفع‌طلبانه آن‌ها هستند، بلکه بیشتر از آن‌رو که سبک زندگی به تجلی خاصی از هویت فردی و گروهی آن‌ها صورت مادی و عینی می‌بخشد (جمعی از مؤلفان، ۱۳۹۴، ۲۵). بنابراین دلالت‌مندی یا نمادین بودن سبک زندگی به معنای آیه بودن و حکایت‌گری آن از هویت فردی و گروهی است.

1 . Bourdieu.

2 . Giddens.

۲) جایگاه و ارزش مهمانی

مهمانی از جایگاه رفیع و ممتازی در سبک زندگی اسلامی برخوردار است. انسان از لحظه‌ای که پا به عرصه وجود می‌نهد تا زمانی که به سوی معبود خویش بازمی‌گردد، در حقیقت مهمانِ خوان کرم خداوند است و بر سفره‌ی بیکران او می‌نشیند. این نوع مهمانی و میزبانی در تلقی الهیاتی، مقتضای رابطه عمیق و انفکاک‌ناپذیر میان خالق و مخلوق و وابستگی وجودی انسان و همه موجودات هستی به خالق یکتا و بی‌همتا است. بی‌شک، توجه به حقیقت این موقعیت می‌تواند در معنادار ساختن زندگی، تعامل هدف‌مند با هستی، پرستش مخلصانه حق تعالی و ایجاد انگیزه لازم و کافی برای خداگونگی و کسب قابلیت‌های لازم برای قرب الهی موثر باشد.

وقتی انسان تحت تأثیر تمایلات فطری و خودآگاهی دینی، به رفتارهای دیگرخواهانه از جمله پذیرش میزبانی دیگران علاقه نشان می‌دهد، در واقع به شکرانه‌ی عطایا و مواهب دریافتی خویش از خالق هستی، آغوش خود را به روی بندگان او باز کرده و دیگران را نیز در داشته‌های خود سهیم می‌سازد. از این رو، میزبانی نیز همچون سایر کنش‌های مؤمنانه در صورت داشتن شرایط لازم می‌تواند در جهت تقویت روح کمال‌جویی و تقرب بیشتر به خداوند موثر باشد. چنین نگرشی به موضوع مهمانی که خاص سبک‌های دینی و الهی به‌ویژه سبک زندگی اسلامی است، ریشه در باورها و ارزش‌هایی دارد که طبق آن، مهمان، به‌عنوان حبیب خدا و صاحب حق و سهم از روزی‌ها و مواهب دریافتی تلقی می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۴۵۹).

در این نگرش، تقرب تدریجی انسان به خدا و رهیدن از عالم خاک، خود اجابت دعوت حق و گام‌زدن در مسیر مهمانی ذومراتب خداوند تلقی می‌شود. در این نگرش، همچنین ایفای نقش میزبانی و پذیرایی از مهمان، از جمله آثار خلافت الهی انسان در زمین و از جمله وظایف خداوندگاری انسان نسبت به سایر بندگان به حساب می‌آید. طبق این تلقی، میزبان به‌عنوان عامل واسط میان خالق و مخلوق، به توزیع بخشی از نعمت‌های الهی و ایصال آن به سایرین مأموریت یافته است. امام حسن علیه السلام به‌عنوان نماد کرامت و مهمان‌نوازی، در پاسخ به سوال کسانی که چرا حتی در شرایط تنگ‌دستی و عسرت نیز از راندن گدا و سائل، کراهت دارید؟ فرمود:

من خودگدای پروردگارم و به رحمت او امیدوار. شرم دارم که خود گدا باشم و گدایی را از درگاه خود برانم. خداوند، عادت دارد نعمت‌هایش را به من ببخشد و من نیز عادت دارم نعمت‌هایش را به مردم ببخشم، بیم آن دارم که اگر این را ترک گویم، او نیز عادت خویش را درباره من ترک گوید (بیاتی، ۱۳۸۹، ۲۶).

باتوجه به تحلیل‌ها و روایت فوق می‌توان نتیجه گرفت که سنت مهمانی و میزبانی در سبک زندگی اسلامی جایگاه و اعتبار ویژه‌ای دارد و در حقیقت، جلوه آشکار دیگری از عبودیت

و بندگی حق شمرده می شود. شاید به همین دلیل است که در برخی روایات، مهمان‌داری و مهمان‌نوازی از نشانه‌های ایمان و از مظاهر برخورداری از فضایل اخلاقی به‌شمار رفته است. برای نمونه رسول خدا ﷺ در روایتی می‌فرماید:

از مهمان پذیرایی نمی‌کند، مگر مؤمن! مهمان‌نوازی، از مکارم اخلاق است^۱ (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ۲، ۱۰۶).

۳) کارکردها و آثار مهمانی

تردید نیست که همه کنش‌ها، ارتباطات و تعاملات اجتماعی با هدف حصول نتایج و تحقق آثاری صورت گرفته و استمرار می‌یابد. انسان معمولاً از هر کنش اختیاری و مقصود خود، توقع نیل به نتیجه‌ای مستقیم و غیرمستقیم دارد. نتایج و پیامدهای حاصل و مترتب بر یک عمل یا رفتار نهادی اعم از نتایج آشکار و پنهان، مستقیم و باواسطه، گذرا و ماندگار، مثبت یا منفی به زبان جامعه‌شناختی به «کارکرد» تعبیر می‌شود و تبیین کارکردی مورد نظر برخی از دیدگاه‌های مطرح در این علم به بررسی نتایج عینی رفتارهای اجتماعی در سطوح خرد و کلان حیات جمعی اشاره دارد.

سنت مهمانی نیز به‌عنوان یکی از الگوهای تعاملی مبتنی بر انگیزه‌های غیرانتفاعی و ارزش‌های اخلاقی، نتایج و آثار کارکردی بسیار برجسته‌ای به‌همراه دارد که آگاهی از آن‌ها در سبک زندگی اسلامی اهمیت دارد. زیرا بر اثر آن، هم انگیزه افراد برای پاس‌داشت این سنت و استمرار آن تقویت می‌شود و هم موجب می‌شود تا سازمان‌ها و متولیان مدیریت کلان جامعه، به زمینه‌سازی و اقدامات فرهنگی اجتماعی مناسب جهت تقویت هر چه بیشتر موقعیت ارزشی و هنجاری این سنت کهن در سطح عموم بپردازند. از آن‌جا که آثار مذکور می‌تواند در سطوح فردی و اجتماعی و یا دنیوی و اخروی دسته‌بندی شود و از طرفی یک رفتار تنها زمانی می‌تواند به‌عنوان یک سبک درآید که به‌صورت اجتماعی درآید، لذا تفکیک فردی و اجتماعی بودن آن محل تأمل است؛ در نتیجه آثار مهمانی تنها در دو قالب دنیوی و اخروی دسته‌بندی شده و به آن اشاره می‌شود:

الف) آثار اخروی

براساس نصوص روایی، مهمانی دارای آثاری است که در عالم آخرت به‌کار انسان می‌آید. برخی از مهم‌ترین این آثار عبارتند از:

۱. لَا يُضِيفُ الضَّيْفَ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ وَمِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ قِرَاءُ الضَّيْفِ.

یک) آمرزش و غفران الهی

مهمان‌نوازی و پذیرایی از مهمان طبق روایات، در صورتی که از دو ملاکِ مقبولیت یعنی حسن فعلی و حسن فاعلی به صورت توأمان برخوردار باشد، بالقوه می‌تواند در آمرزش گناهان و جلب غفران الهی موثر باشد و موجب راحتی انسان در جهان پس از مرگ شود. امام صادق علیه السلام در بیانی می‌فرماید:

کسی که سه نفر از مسلمین را اطعام کند، خداوند گناهانش را می‌آمرزد^۱ (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۳۹۵).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز در بیانی، آثار مغفرتی مهمان‌نوازی را فراتر از گناهان فردی، به گناهان جمعی و اجتماعی نیز تعمیم داده است. بی‌شک، همان‌گونه که وجود و شیوع گناهان در سطح جامعه آثار و پیامدهای ویرانگری برای حیات جمعی دارد، بخشش و آمرزش این گناهان نیز می‌تواند باب رحمت الهی را بر ایشان بگشاید. حضرت علیه السلام در این روایت می‌فرماید:

هرگاه مهمانی، بر قومی وارد شود، رزق و روزی‌اش از آسمان به همراه او نازل می‌شود؛ و هنگامی که مهمان طعامی را میل کند؛ خداوند گناهان آن قوم را بخاطر آن مهمان، می‌آمرزد^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۲۸۴).

پرواضح است آنچه در جهان آخرت برای انسان اهمیت دارد، غفران الهی است. بنابراین در صورتی که بر اثر مهمان‌داری انسان مورد آمرزش الهی قرار گیرد، در حیات اخروی خویش به رضوان الهی خواهد رسید و جایگاه ممتازی در بهشت برین خواهد داشت.

دو) ورود به بهشت و رهایی از جهنم

اگرچه نتیجه غفران الهی ورود به بهشت یا رهایی از جهنم است؛ اما در برخی از روایات این اثر به صورت جداگانه مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر کس مؤمنی را مهمانی دهد، یا بخشی از نیازهای او را برآورده کند، بر خداوند است که در بهشت، برای او خدمت‌گزاری بگمارد^۳ (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۱، ۳۷۵).

امام علی علیه السلام نیز در فرمایش دیگری می‌فرماید:

هر مؤمنی که مهمان را دوست بدارد، از قبر خویش برمی‌خیزد در حالی که رویی چون ماه شب چهارده درخشان دارد. وقتی به او می‌نگرند، می‌گویند: این جز پیامبری

۱. مَنْ أَطْعَمَ ثَلَاثَةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.

۲. إِنَّ الضَّيْفَ إِذَا جَاءَ فَتَزَلَّ بِالْقَوْمِ جَاءَ بِرِزْقِهِ مَعَهُ مِنَ السَّمَاءِ فَإِذَا أَكَلَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ بِتَزْوِيلِهِ عَلَيْهِمْ.

۳. مَنْ أَصَافَ مُؤْمِنًا أَوْ حَفَّ لَهُ عَنْ شَيْءٍ مِنْ حَوَائِجِهِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُخْدِمَهُ وَصَيْفًا فِي الْجَنَّةِ.

مرسل نیست. سپس فرشته‌ای می‌گوید: این مؤمنی است که مهمان را دوست و گرامی می‌داشت و او را راهی نیست، جز این که به بهشت وارد شود (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۲۰۰).

در کنار روایات ایجابی، یعنی روایاتی که ورود به بهشت را از جمله نتایج معنوی و اخروی مهمان‌نوازی معرفی کرده، روایاتی نیز به زبان سلبی، رهایی و نجات از عذاب اخروی یا تخفیف در عذاب جهنم را به‌عنوان یکی از نتایج اخروی مهمان‌نوازی معرفی کرده‌اند. روشن است که این دو بیان اجمالاً و در برخی مصادیق با یکدیگر تلازم منطقی دارند، بی‌شک، کسی که به‌واسطه مهمان‌نوازی استحقاق ورود به بهشت یافته، حتماً از عذاب جهنم نجات یافته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق بیانی فرمود دلیل این که حاتم طایی به‌رغم کافرکیشی و اعتقاد کفرآمیزش، مورد رحمت خداوند قرار گرفته و از عذاب نجات یافته، این است که او در دنیا اهل سخاوت و مهمان‌نوازی بوده است. حضرت صلی الله علیه و آله خطاب به عدی فرزند حاتم طایی فرمود:

خداوند به‌دلیل طبع و روحیه سخاوتمندی پدرت، عذاب شدیدی را از او دفع نمود^۱ (مفید، ۱۴۱۳، ۲۲۷).

ب) آثار دنیوی

مهمانی علاوه بر آثار اخروی، آثار دنیوی نیز دارد. این آثار که می‌توان از آن‌ها تحت عنوان کارکرد نیز یاد نمود، باتوجه به تعریفی که از سبک ارائه شد در سه حوزه «انتخاب»، «الگومندی» و «نمادین بودن» قابل بررسی است.

یک) تعیین محدوده‌های انتخاب

پیش از این اشاره شد که «انتخاب» عنصر مرکزی مفهوم سبک زندگی و از ویژگی‌های اساسی آن به‌شمار می‌رود. به تبع این ویژگی، نخستین پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که در عرصه انتخاب‌ها و ترجیحات فردی، مهمانی چه کارکردهایی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟! از آن‌جا که انتخاب‌های عاملان از یک سو تحت تأثیر سلیقه‌ها و ذائقه‌های آنان قرار دارد و از سوی دیگر «سلیقه» به‌عنوان نظامی از طرح‌های ادراکی و ارزیابی، محصول تاریخی عاملان در فضای اجتماعی است (بورديو، ۱۳۹۰، ۲۴۴)، بنابراین باید دید که آثار مهمانی بر شکل‌گیری و جلوه‌گری سلیقه‌های افراد چگونه است و چه تأثیری بر انتخاب‌های آنان بر جای می‌گذارد. به‌همین منظور، در ادامه برخی از مهم‌ترین کارکردهای مهمانی، در این عرصه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. إِنَّ اللَّهَ دَفَعَ عَنْ أَبِيكَ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ لِسَخَاءِ نَفْسِهِ.

■ ایجاد فرصت آموزش

مرجع همه کنش‌های عاملان به آگاهی‌ها و شناخت‌های آنان برمی‌گردد. شناخت‌های افراد نیز معمولاً از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی شکل می‌گیرد. در آموزش غیررسمی، افراد از طریق هم‌نشینی برخی از آداب و هنجارهای اجتماعی را آموخته و درونی می‌سازند. بر این اساس، مجلس مهمانی به دلیل حضور افراد مختلف، بالقوه زمینه گفت‌وگو و انتقال اطلاعات و تجربیات را برای اعضا فراهم می‌سازد. این نوع مجالس به دلیل ویژگی خاص، به عموم اعضا مخصوصاً کودکان، نوجوانان و جوانان که نیاز بیشتری به بسط اطلاعات متنوع مورد نیاز خویش دارند، امکان می‌دهد تا در پرتو تعامل از برخی راز و رمزهای محیط اطراف و دنیای زیستی بزرگسالان اطلاع حاصل کنند و از این نوع ارتباطات میان نسلی، بهره‌گیری کنند. لقمان حکیم با عطف توجه به چنین کارکردی به فرزندش توصیه می‌کند:

پسرکم! مجلس‌ها را بنگر! اگر مردمانی را دیدی که به ذکر خداوند عزوجل مشغول اند، با آنان بنشین، چه اگر تو دانشمند باشی، دانشت تو را سود می‌بخشد [یعنی امکان تاثیرگذاری مثبت بر آنها داری] و آنان نیز بر دانش تو می‌افزایند؛ و اگر از علم بی‌بهره باشی، آنان به تو دانش می‌آموزند. شاید خداوند سایه رحمتی بر آنان گسترده و این رحمت شامل حال تو نیز بشود؛ و اگر مردمانی دیدی که ذکر خداوند نمی‌گویند، با آنان منشین، چه اگر تو دانشمند باشی، دانشت تو را سود نمی‌بخشد و اگر از علم بی‌بهره باشی، بر محرومیت می‌افزاید؛ و شاید خداوند به آنان کیفی رساند و تو را نیز شامل شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۵، ۶۵).

امام صادق علیه السلام نیز طبق روایتی می‌فرماید:

دیدار برادران موجب باروری عقل [و افزایش شناخت] می‌شود، اگرچه این دیدار کوتاه و اندک باشد (همان، ۷۴، ۳۵۳).

بنابراین، یکی از کارکردهای مهم مهمانی در عرصه سبک زندگی، ایجاد فرصت برای انتقال و آموزش نرم‌ها و قواعد اجتماعی است. قواعدی که بر اثر درونی‌شدن، بر روی چگونگی انتخاب افراد تأثیر خواهد گذاشت و انتخاب‌های آنان را پیش‌بینی‌پذیر و الگومند خواهد ساخت.

■ معرفی هنجارهای مهمانی

بایدها و نبایدهای اخلاقی به‌عنوان برجسته‌ترین بخش نظام ارزشی پذیرفته شده و مورد احترام در هر جامعه، از بنیادهای مهم سبک زندگی به‌شمار می‌رود. به بیان دیگر، سبک زندگی چیزی بیش از تبلور عینیت مجموعه دستورات هنجاری نیست که عاملان اجتماعی به گزینش

آن‌ها پرداخته‌اند. بنابراین، به هر میزانی که افراد از هنجارهای دینی در مورد مهمانی آگاهی داشته باشند و خود را متعهد به التزام آن‌ها ببینند، به همان اندازه نیز محدوده‌های انتخاب مشخص و معلوم خواهد بود. این‌که در آموزه‌های دینی گفته می‌شود به لحاظ گفتاری به مهمان خوش آمد گفته شود (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۲۰۶) و از تعارفات دروغین و غیر معمول اجتناب شود (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۴۱۶) و هم‌چنین به لحاظ رفتاری میزبان مهمان را احترام کند (نوری، ۱۴۰۸، ۱۶، ۲۵۹)، با خوش‌رویی با او برخورد کند (زمخشری، ۱۴۱۰، ۲، ۲۸۹)، به او خدمت برساند (همان، ۲، ۷۰۲)، هدایایی به او تقدیم کند (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۲۰۷)، به بدرقه او پردازد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۲، ۲۴) و از او کار نکشد (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۲۸۳) و در نقطه مقابل مهمان از میزبان اجازه ورود بگیری (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷، ۲۱۳)، از او در مورد جایگاه نشستن و امور عبادی خویش فرمان بپذیرد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۱۱۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۷، ۶۰۷) و کم‌توقع (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۴۱۴ و نوری، ۱۴۰۷، ۱۶، ۲۳۹) و دعاگو (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۲۹۴؛ برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۴۳۹) باشد، در حقیقت چارچوبه‌های خاصی برای مهمانی ترسیم می‌نماید که قطعاً دامنه انتخاب افراد را مشخص و محدود می‌سازد و سبک رفتاری او را متمایز از دیگر سبک‌های زندگی می‌کند.

دو) ارائه الگوهای رفتار

به تناسب دومین ویژگی سبک زندگی که از آن به عنوان «الگومندی» یاد شد، می‌توان گفت اگرچه سبک زندگی مجموعه‌ای از ترجیحات فردی است، اما به دلیل آن‌که از ذهنیات مشترک عاملان اجتماعی نشأت می‌گیرد و فی‌الواقع به یک کلیت ارزشی حاکم در جامعه، ارجاع داده می‌شود، از این‌رو، الگومند و جلوه‌های عینی آن در سطح رفتارهای اجتماعی مشاهده‌پذیر است. بر اساس این ویژگی، بخش دیگری از کارکردهای مهمانی باید در سطح آن دسته از کنش‌های متقابل اجتماعی جستجو شود که حاکی از عمل جمعی و برخاسته از الگوهای مشترک ذهنی عاملان اجتماعی باشد. برخی از این کارکردها عبارتند از:

■ رفتارهای پیوندجویانه

زندگی اجتماعی انسان محصول ارتباط متقابل آن‌ها برای تأمین نیازهای‌شان است. امری که به تقویت پیوندها و تعلقات عاطفی نیز می‌انجامد. تعلقاتی که علاوه بر ارضای نیازهای فردی، زمینه تحکیم و تثبیت هر چه بیشتر پیوندها و روابط اجتماعی را نیز فراهم می‌سازد. گروه‌های اولیه در جامعه که مصداق بارز آن خانواده، خویشاوندان و شبکه دوستان است، بیشترین زمینه را برای تولید این سنخ عواطف متقابل فراهم می‌سازد. سنت مهمانی نیز در صورت برخورداری

از ویژگی‌های خاص، ظرفیت بسیار بالایی برای تولید این عواطف و در نتیجه تحکیم و تعمیق پیوندها و تعلقات اجتماعی دارد. امام صادق علیه السلام طبق روایتی در بیان نیازمندی و وابستگی متقابل مردم به یکدیگر می‌فرماید:

همانا نیاز شما به مردم امری است اجتناب‌ناپذیر، چراکه هیچ‌کس در زندگی از دیگران بی‌نیاز نیست و همه مردم به یکدیگر وابسته‌اند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۶۳۵).

از این روایت چنین استفاده می‌شود که نیازمندی، وابستگی و حس تعلق انسان‌ها به یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر و فطری است. و ظاهراً فلسفه این وابستگی، ارضای نیازهایی است که فرد خود به تنهایی قادر به تامین آنها نیست یا تامین آن‌ها با همکاری دیگران مقرون به صرفه‌تر تشخیص داده شده است. این نیازمندی خود منشأ ایجاد و استمرار انواع ارتباطات انسانی در درون جامعه یا وابستگی جوامع به یکدیگر است. این نوع ارتباطات اگر به بهره‌کشی و استخدام متقابل یا به تعبیر قرآن در سوره زخرف آیه ۳۲ تسخیر متقابل منجر شود، نه تنها مفید، دارای ضرورت کارکردی و توجیه عقلایی است که به مرور به دلیل احساس خرسندی و رضامندی ناشی از تامین حوائج متنوع در پرتو مشارکت دیگران، علاقه و عاطفه مثبت انسان‌ها نیز نسبت به هم برانگیخته شده و ضریب استحکام پیوندها افزایش می‌یابد.

اما در صورتی که چنین ارتباطاتی صرفاً جنبه ابزاری یابد و افراد جامعه یکدیگر را صرفاً وسیله‌ای در جهت نیل به خواسته‌های خویش بپندارند یا بالاتر از آن، هر کسی به دلیل موقعیت خاص، صرفاً در صدد بهره‌گیری یک‌سویه از دیگران در جهت نیل به منویات خویش باشد، جامعه و روابط انسانی در معرض تلاشی قرار خواهد گرفت.

از آن‌جا که در سبک زندگی اسلامی، بر تحکیم و تثبیت پیوندهای اجتماعی و تقویت روح اخوت و برادری میان مؤمنان و حتی سایر اعضای جامعه اسلامی، تأکید می‌شود بایسته است که مدیران و کارگزاران جامعه و عموم مردم تدابیری اتخاذ کنند که ماهیت ارتباطات متقابل انسانی همواره گرم و صمیمی و دارای ارزش انسانی باقی بماند. یکی از این تدابیر می‌تواند بسط سنت مهمانی باشد.

مجلس مهمانی اولاً زمینه دید و بازدید، گفت‌وگو، تبادل عواطف و رفع کدورت‌ها و اختلافات محتمل را در میان دوستان و خویشان فراهم می‌سازد، بدین وسیله روابط درونی این شبکه‌های انسانی را تقویت می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۱۷۵) و در نتیجه بسط آن در گستره جامعه می‌تواند در سطح کلان زمینه تحکیم و همبستگی هر چه بیشتر اجتماع را موجب شود. ثانیاً افراد با شرکت در مجالس مهمانی، با ابراز این احساس متقابل که در شادی‌ها و غم‌های

۱... إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَالنَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ.

یکدیگر شریک‌اند، موجبات تعلق خاطر به یکدیگر را به مراتب بیشتر می‌سازند و بالتبع زمینه بروز رفتارهای مبتنی بر پیوندهای اجتماعی را فراهم می‌کنند.

علی بن شعیب می‌گوید: روزی محضر امام رضا علیه السلام مشرف شدم. حضرت به من فرمود: زندگی چه کسی از همه بهتر است؟ عرض کردم: سرور من، شما بهتر می‌دانید. فرمود: کسی که زندگی دیگری در پرتو زندگی او خوش باشد. سپس فرمود: ای علی! زندگی چه کسی از همه بدتر است؟ عرض کردم: شما داناترید. فرمود: کسی که دیگری در سایه‌اش نیاساید. ای علی! نعمت‌ها را نیکو و مغتنم بشمارید (شکر عملی آنها را بجا آورید) به درستی که نعمت‌ها وحشی‌اند و از قومی نرمیده‌اند که دوباره بازگردند. ای علی! بدترین مردم کسی است که خیرش به کسی نرسد، غذایش را تنها بخورد، و غلامش را تازیانه زند (حرانی، ۱۳۶۳، ۴۴۸).

طبق این روایت، تک‌روی، عزلت‌گزینی، و نجوشیدن با دیگران عملی شدیداً نکوهیده است و به دنیا و آخرت افراد ضرر می‌زند. مؤمنان باید به شکرانه نعمت‌های الهی که در اختیار دارند، از آنها در جهت کمک به دیگران و مشارکت دادن ایشان در معیشت خویش، زمینه تحکیم هر چه بیشتر پیوندهای اجتماعی را موجب شوند و الگوهای خاصی برای رفتار اجتماعی خویش در نظر بگیرند. بدون شک، مهمانی دادن ضابطه‌مند و مرضی اسلام، خود یکی از مصادیق بارز این شکرگذاری و موثر در تامین این غایت است. پرواضح است که شیوع فردگرایی، تک‌روی و برکنارماندن از تعاملات جمعی با روح حیات جمعی و فلسفه زندگی اجتماعی ناسازگار است و در آموزه‌های دینی از آن به شدت نهی شده و آمده است:

مؤمن سزاوار دوستی و الفت است و کسی که با مردم دوستی نکند و مردم نیز او را لایق دوستی و الفت ندانند، در او خیری نیست^۱ (فلسفی، ۱۳۶۸، ۱، ۴۰).

■ رفتارهای صمیمانه

مرتبه بالاتر از ایجاد روابط مبتنی بر الفت و دوستی و مدارای اجتماعی با معیارهای دینی و اخلاقی، صمیمیت و عاطفه‌ورزی اجتماعی است. منظور از صمیمت، تعمیق روابط هم‌دلانه و اصالت دادن به نفس روابط انسانی است. برقراری ارتباط صرفاً به انگیزه‌های مادی و در راستای تأمین حوائج و نیازها، هر چند در اصل برقراری و استمرار روابط انسانی موثر است، اما طرفین ارتباط را از نتایج معنوی و ارزشی که عمیقاً نیز بدان نیازمندند، محروم می‌سازد. این نوع ارتباطات به دلیل سطحی بودن و تنک‌مایگی به راحتی در معرض اختلال و گسست قرار

۱. الْمُؤْمِنُ مَأْلُوفٌ وَلَا خَيْرَ لِمَنْ لَا يَأْلُفُ وَلَا يُؤْلَفُ.

می‌گیرد. در سبک زندگی اسلامی توصیه این است که افراد تدریجاً ارتباط و هم‌نشینی خود را به هم‌دلی و تعلق خاطر صمیمانه تبدیل کنند. پرواضح است که هم‌دلی صمیمانه نتیجه‌ی بسط، عمق و شدت روابط است. مهمانی و میزبانی از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌تواند این مهم را به بهترین شکل ممکن، محقق سازد. احتمالاً به دلیل ایفای نقش در حصول همین سنخ نتایج مهم و برجسته است که این همه در آموزه‌های دینی بدان توصیه و سفارش شده است به طوری که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مؤمن کسی است که مهمان را دوست بدارد^۱ (همان، ۱۱، ۱۷۴).

در روایت دیگری به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مهمان‌نوازی، اقدامی در راستای جلب محبت خدا و رسول معرفی شده است:

هر که می‌خواهد خدا و پیامبرش او را دوست بدانند، پس با مهمانش غذا بخورد^۲ (ورام، ۱۴۱۰، ۲، ۱۱۶).

آنچه در این روایت حائز اهمیت است، توجه دادن به مهمانی به عنوان راهی برای جلب محبت و دوست داشتن است. غذا خوردن با مهمان نیز نماد روشنی از عاطفه‌ورزی به او است. نکته قابل ذکر دیگر، تلازم میان محبت و عاطفه به خلق خدا در قالب مهمانی با جلب محبت خدا و رسول است. از سوی دیگر، برگزاری مهمانی به انگیزه جلب محبت الهی قاعداً با رعایت معیارهایی توأم خواهد بود که بیشترین زمینه و محمل را برای جلب محبت و صمیمیت دیگران و تعمیق و تحکیم روابط انسانی فراهم خواهد ساخت. روایات دیگری نیز مشابه روایات فوق، در منابع دینی وارد شده که مجموعاً به اهمیت و نقش علی مهمانی در کسب توفیقات ویژه همچون جلب محبت و عنایت حق تعالی توجه داده است.

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده که آن حضرت معمولاً غذای خویش را با خانواده میل می‌فرمود، اما هرگاه در این فاصله مهمانی بر او وارد می‌شد، از وی پذیرایی کرده و خود مجدداً با مهمان به صرف طعام می‌پرداخت (خراطی، ۱۴۱۹، ۱، ۶۸).

گفتنی است که در منابع روایی برای این که مهمانی لزوماً به صمیمیت اجتماعی بینجامد، سفارشات شده است. از مهم‌ترین این سفارشات، احترام به مهمان است. طبق روایت کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی بدارد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۴، ۳۱۶).

مطابق این روایات، احترام و تکریم مهمان، علاوه بر اینکه از بایسته‌های مهم سبک مهمانی اسلامی است، آثار و کارکردهای در خور توجهی را نیز به دنبال دارد که تقویت صمیمیت

۱. الْمُؤْمِنُ... يُحِبُّ الضَّيْفَ.

۲. مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحِبَّهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ فَلْيَأْكُلْ مَعِ ضَيْفِهِ.

اجتماعی یکی از مهم‌ترین آن‌ها است. شاید به دلیل همین آثار است که حفظ کرامت مهمان در سبک و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام فراوان مورد توجه قرار گرفته و بدان عمل شده است. ابن شهر آشوب داستان آموزنده‌ای را روایت می‌کند که در آن اهمیت تکریم مهمان و احترام به او به خوبی آشکار می‌شود. طبق نقل ایشان، حضرت علی علیه‌السلام از مهمان خویش به دلیل کمبود غذا در تاریکی پذیرایی نمود، تا او احساس تنهایی نکند و احترامش محفوظ بماند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۲، ۷۴).

پرواضح است که اگر احترام به مهمان، علقه و صمیمیت اجتماعی به دنبال دارد، بی‌اعتنایی و تحقیر او نتیجه معکوس خواهد داشت. گاه رفتار میزبان و تشریفات مجلس به گونه‌ای است که مهمان خود به دلیل ناهمگونی و بی‌تناسبی، از حضور در آن خودداری کرده یا احساس ناخرسندی و فشار روانی می‌کند. برای مثال، گاه میزبان نه از روی وظیفه‌شناسی یا پاسداشت یک ارزش اجتماعی بلکه صرفاً به‌انگیزه نمایش منزلت یا به‌رخ‌کشیدن توانایی و امکانات مالی خود، مهمانی برگزار می‌کند. انگیزه نمایشی و تبلیغاتی میزبان را می‌توان از نحوه تعامل، مجلس‌آرایی، آیین‌ها و تشریفات و غذاها و خوراکی‌های غیرمتعارف آن دریافت. این نوع مجالس نه تنها صمیمیت اجتماعی را موجب نمی‌شود، که تعلقات عاطفی زمینه‌ای نیز اگر وجود داشته باشد را از بین می‌برد. بدیهی است که با ازبین‌رفتن محبت و تعلق خاطر و صوری‌شدن روابط، شکاف‌های اجتماعی تشدید شده و کیفیت روابط اجتماعی دست‌خوش آسیب می‌شود. از این رو، نظام فرهنگی و مکانیزم‌های جامعه‌پذیرکننده، باید آحاد جامعه را با الگوهای اخلاقی و تربیتی خاصی پرورش دهند که عملاً زمینه چنین تقابلهایی فراهم نیاید و ظرفیت‌هایی همچون مهمانی به ضد خود تبدیل نشود.

■ رفتارهای عاطفی

انسان علاوه بر نیازهای مادی، نیازمندی‌های روانی و عاطفی متنوعی نیز دارد. برحسب تجربه‌های شهودی، انسان اگرچه به دلیل ملموس بودن نیازهای مادی، در ابتدا همه توجه و تلاش و تکاپوی او معطوف به ارضای نیازهای مادی است، اما به مجردی که از این سطح نیاز کاملاً یا اجماً فارغ شد، نیازهای روحی و عاطفی را عمیقاً احساس کرده و درصدد ارضای آن‌ها برمی‌آید. در جامعه مدرن به دلیل فراغت اجمالی از نیازهای مادی از یکسو و تجربه برخی بحران‌های تمدنی همچون شهرنشینی فزاینده، دوری‌گزیدن یا کاهش ارتباط با طبیعت، ضعف تجربه معنویت دینی، گسست خانواده گسترده و متمرکز، فردگرایی، مصرف‌گرایی بی‌رویه، تاثیرپذیری شدید از انبوه رسانه‌های جمعی و ده‌ها عامل دیگر، این سنخ نیاز بیش از پیش برجسته شده و اهمیت یافته است. در مقابل، سازوکارهایی همچون مهمانی که می‌تواند در تامین این مهم نقش‌آفرینی

کند، تضعیف شده یا به اشکالی تبدیل شده که عملاً از ایفای این نقش باز مانده است. بدون شک، برگزاری مجالس مهمانی به بهانه‌های مختلف، امکانی را فراهم می‌آورد تا افراد بتوانند فراتر از تعاملات عادی، در جوی صمیمی و عاطفی همدیگر را ملاقات کنند، با یکدیگر در خصوص مسائل مورد علاقه به گفت‌وگو بپردازند و از طریق هم‌غذایی، محبت و صمیمیت بیشتری را به صورت متقابل تجربه کنند. چنین تجربه‌هایی اگر به صورت دوام‌دار تکرار شود، رفتار انسان را عاطفی‌تر و به نحوی الگومند می‌سازد که حس همکاری در آن نمودهای عینی پیدا کند. در آموزه‌های دینی، هم‌غذایی و هم‌سفره‌گی از جمله نشانه‌های محبت انسان‌ها به یکدیگر معرفی شده و نقش و سهم بسیار مهمی در تامین نیاز معنوی و عاطفی آنها دارد. هشام بن سالم در نقل حکایتی می‌گوید: روزی به اتفاق ابن ابی‌یعفور و جماعتی محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم. حضرت دستور داد تا نهاری فراهم کردند و آن حضرت خود نیز با ما مشغول صرف غذا شدند. من در میان آن جمع، از همه جوان‌تر بودم و با نوعی خجالت غذا می‌خوردم. امام علیه السلام به من فرمود:

غذا میل کن! مگر نمی‌دانی که محبت انسان به برادرش، با خوردن از غذای برادرش معلوم می‌شود^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۲۷۸).

ازاین‌رو، اهتمام به برگزاری مجالس مهمانی یا مجالس مشابه به‌ویژه در جامعه مدرن که پیوندها و تعلقات عاطفی، تحت تاثیر برخی تحولات، تا حد زیاد تضعیف شده، و بالاتر از آن گسست‌ها و شکاف‌های اجتماعی تشدید شده‌اند، بسیار ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد. لذا برای آن‌که رفتارهای عاطفی در سطح جامعه گسترش یابد و حس تعاون تقویت شود، ضروری است تا به کارکردهای مجالس مهمانی توجه بیشتر نشان داده شود.

■ رفتارهای مبتنی بر اعتماد

پیش از این اشاره شد که صرف داشتن ارتباط و تعامل، اگرچه برای حیات اجتماعی و تامین اقتضائات آن ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، اما کافی نیست. تداوم روابط و بهره‌گیری هر چه بیشتر از ظرفیت‌های بالقوه این روابط در جهت تلطیف فضای جامعه منوط به آن است که علقه و عاطفه و انس و الفت چاشنی این ارتباطات شود. از جمله عوامل زمینه‌ای مهم در عاطفه‌ورزی متقابل، اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی هم منشأ تشدید این عاطفه‌ورزی است و هم خود در پرتو آن تشدید و تقویت می‌شود. تردیدی نیست که اعتماد به‌عنوان برجسته‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی برای بقا و استمرار حیات اجتماعی، بسیار لازم و ضروری است. در جامعه‌ای

۱. كُلُّ مَا عَلِمْتَ أَنَّهُ تُعْرَفُ مَوَدَّةُ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بِأَكْلِهِ مِنْ طَعَامِهِ.

که زندگی عاملان برپایه بی‌اعتمادی متقابل طراحی و تنظیم شده باشد، روابط انسانی در بیشتر سطوح دچار مشکل خواهد شد و بالمآل نظم و همبستگی اجتماعی به مخاطره می‌افتد. حال باتوجه به اهمیت بسیار فراوان اعتماد اجتماعی و کارکردهای ضروری آن برای جامعه، این سوال مطرح است که اعتماد اجتماعی چگونه ایجاد و تقویت می‌شود؟ در پاسخ به این سوال اجمالا می‌توان مدعی شد که سنت مهمانی، در صورت رعایت شروط موردنظر در الگوی اسلامی آن، بالقوه نقش بسیار مهمی در تحقق این مهم دارد.

افراد با برگزاری مجالس مهمانی، با اختیار و اشتیاق، دیگران را به‌عنوان مهمان در حریم خانه و در جمع خانواده خود می‌پذیرند و مشتاقانه از ایشان به پذیرائی می‌پردازند. این اقدام که غالباً بر پایه اخوت و برادری و در راستای تقویت آن انجام می‌گیرد، در صورت اشاعه و در سطح کلان، نقش مهمی در تقویت و تعمیق اعتماد اجتماعی دارد. بدیهی است که اعتماد اجتماعی، امری متقابل و دوسویه است. هم میزبان از روی اعتماد، مهمان را به حریم امن زندگی خود راه داده و هزینه‌های متعارف پذیرایی او را با اشتیاق متحمل می‌شود و هم مهمان از روی اعتماد به خانه وی وارد می‌شود و به صرف طعام می‌پردازد.

تأثیرات ناشی از مهمانی، آمادگی روحی و انگیزه میزبان و مهمان را برای استمرار اعتماددورزی تشدید کرده و اعتماد قلبی موجود را تقویت می‌کند. در برخی روایات سفارش شده تا امامت نماز جماعت در خانه به‌عهده میزبان و یا فرد موردنظر او باشد. این استحباب بیان این حقیقت است که مهمان باید میزبان خود را قبول داشته و به او اقتدا کند. اقتدای به یک فرد به‌عنوان امام، با توجه به شروط فقهی قابل احراز در بحث امامت، نشانه گویایی از اعتماد به او است. همان‌گونه که در مسأله تغذیه و پذیرایی نیز بر این اعتماد تأکید رفته است.

هرگاه بر برادر مسلمانان وارد شدی و غذایی به تو داد، از آن مصرف کن و از حلال بودنش پرس؛ و هرگاه نوشیدنی به تو داد، آن را بنوش و در باره آن پرس و جو مکن (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ۱۵).

متقابلا میزبان نیز اعتماد خود به مهمان را در قالب اصل دعوت، تعارفات معمول، مجلس‌آرایی و پذیرایی متناسب با شان و مورد انتظار به نمایش می‌گذارد. و همان‌گونه که مکرر بیان شد، وجود اعتماد اجتماعی در هر سطح ممکن، ارتباطات و پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کند و به دنبال آن زمینه بیشتری برای تعاون، همکاری، همبستگی و تحمل یکدیگر فراهم می‌شود.

سه) بازتاب‌های نمادی

ویژگی سوم سبک زندگی، براساس تعریف ارائه شده، دلالت‌مندی و نمادین بودن آن

است. به تناسب این ویژگی، یکی از کارکردهای بسیار مهم مهمانی که حاکی از دلالت‌های خاص اجتماعی به‌شمار می‌رود، چگونگی پرکردن اوقات فراغت است. این بحث که بیشتر از ویژگی‌های جوامع شهری و مدرن است، تعیین‌کننده نوع نگرش‌های افراد و چگونگی سبک زندگی آن‌ها است. این‌که افراد برای پرکردن اوقات فراغت خویش رفتارهای فردگرایانه در پیش می‌گیرند و به مصرف آن دسته از کالاهای فرهنگی می‌پردازند که او را هم‌چنان تنها نگه می‌دارد و این‌که از کنج عزلت بیرون آمده و خوشی را با دیگران تجربه می‌کند، در سبک زندگی اسلامی حامل معنا است و دلالت‌های نمادین دارد. به‌عنوان نمونه در زندگی‌های مدرن بسیاری از افراد فراغت خویش را با رسانه‌ها سپری می‌سازند، در حالی که می‌توانند در اجتماعات قومی و دینی حاضر شده و در مجالس مهمانی حضور پیدا کنند.

از آن‌جا که اسلام به نهی از عزلت‌گزینی سفارش می‌نماید و الگوهای رفتاری مبتنی بر پیوندهای اجتماعی را پیشنهاد می‌دهد؛ می‌توان گفت که ترتیب دادن مجالس مهمانی و حضور در آن کارکردهای مختلفی خواهد داشت. یکی از این کارکردها که پیش از این هم به آن اشاره شد، ارائه الگو در سطح رفتارهای اجتماعی است. کارکرد دیگر آن این است که بر نحوه و چگونگی پرکردن اوقات فراغت انسان مسلمان دلالت دارد (شرف‌الدین، ۱۳۹۴، ۲۷-۵۴). کسی که در هنگام بیکاری به کنج عزلت نمی‌رود و شادمانی خویش را در جمع‌های خانوادگی و یا دوستانه تجربه می‌نماید حداقل دو معنا را بازتاب می‌دهد؛ یکی این‌که مهمانی رفتن و مهمانی دادن حاکی از اهمیت حفظ روابط اجتماعی، داشتن فراغت لازم و توانمندی‌های نسبی مالی است و دیگر این‌که شیوه پرکردن اوقات فراغت او به این ترتیب است که رفتارهای فردگرایانه را بر رفتارهای گروهی ترجیح می‌دهد و مهمانی را برای این کار برمی‌گزیند.

۴) نتیجه‌گیری

سبک زندگی به‌مثابه مجموعه‌ای از انتخاب‌ها و ترجیحات الگومند که افراد، آن‌ها را نه تنها برای برآوردن نیازهایشان، بلکه همچنین به‌منظور بیان تمایز و وابستگی خود به‌کار می‌گیرند؛ دارای عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی است که در عرصه روابط اجتماعی، یکی از مهم‌ترین آن‌ها سنت مهمانی است. سنتی که در سبک زندگی اسلامی از جایگاه رفیع و مهمی برخوردار است و مطابق آن مهمان حبیب خدا تعریف می‌شود و سنت مهمانی نشانه‌ی خداگونگی انسان بر روی زمین تفسیر می‌شود. البته ناگفته نماند که اعتبار و مقبولیت سنت مهمانی در سبک زندگی اسلامی منوط و مشروط به برخورداری آن از قواعد رفتاری پذیرفته‌شده و رعایت بایدها و نبایدهای شرعی و اخلاقی در صورت و محتوا است. بایدها و نبایدهایی که با تکیه بر مفاهیم خاص ناظر

به موضوع مهمانی در ادبیات دینی مورد توجه قرار گرفته است.

بدیهی است هنگامی که مهمانی با رعایت این اصول و شرایط برگزار شود، آثار و کارکردهای گوناگونی به همراه دارد که وجود آن‌ها در کنار سایر ویژگی‌ها برای داشتن یک سبک زندگی اسلامی تمام‌عیار، ضرورت اجتناب‌ناپذیر دارد. این آثار به لحاظ اخروی عبارتند از «آمزش الهی» و «ورود به بهشت و رهایی از جهنم». به لحاظ دنیوی، به تناسب تعریفی که از سبک زندگی ارائه شد و برای آن سه ویژگی «انتخاب»، «الگومندی» و «نمادین» در نظر گرفته شد، عبارتند از: تعیین محدوده‌های انتخاب عاملان از طریق «ایجاد فرصت آموزش» و «معرفی هنجارهای مهمانی»؛ ارائه الگوهای رفتار از قبیل: رفتارهای پیوندجویانه، صمیمانه، عاطفی و رفتارهای مبتنی بر اعتماد و هم‌چنین بازتاب‌های نمادی در قالب چگونگی پرکردن اوقات فراغت.

منابع

* قرآن کریم

۱. اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن. ۱۳۸۱. از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی ۲۰(۲۰): ۲۸-۳.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. ۱۴۰۴ق. شرح نهج البلاغة. تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتبه آیه الله مرعشی، چاپ اول.
۳. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین. ۱۴۰۵ق. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. تحقیق مجتبی عراقی. قم: دار سیدالشهداء للنشر، چاپ اول.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸ق. عیون أخبار الرضا علیه السلام. محقق مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان، چاپ اول.
۵. _____ . ۱۴۱۳ق. من لایحضره الفقیه. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد. ۱۳۸۵. دعائم الاسلام. تحقیق آصف فیضی. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. ۱۳۷۹. مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.
۸. ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق. معجم مقاییس اللغة. تحقیق هارون عبدالسلام محمد. قم: دفتر تبلیغات، چاپ اول.
۹. ابن منظور، ابوالفضل، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق. لسان العرب. جمال الدین میردامادی. بیروت: دارالفکر، چاپ سوم.
۱۰. ادگار، اندرو و پیتروسجویک. ۱۳۸۷. مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.

۱۱. اربلی، علی بن عیسی. کشف الغمه. ۱۳۸۲. ترجمه علی بن حسین زواره‌ای. تهران: اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ق. المحاسن. جلال الدین محدث. قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۳. بروجردی، حسین. ۱۳۸۶ق. منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه). تحقیق جمعی از فضلاء، تهران: تهران انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.
۱۴. بیاتی، جعفر. ۱۳۸۹. آداب مهمانی. ترجمه محمد تقی صابری. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۵. جمعی از مؤلفان. ۱۳۹۴. شاخص‌های اسلامی سبک زندگی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۶. جمعی از مؤلفان. ۱۳۸۰. مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن. تهران: سمت.
۱۷. چینی، دیوید. ۱۳۷۸. سبک زندگی. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. حرانی، ابن شعبه. ۱۳۶۳. تحف العقول. مصحح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۱۹. حرعاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق. تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۲۰. حق‌شناس. ۱۳۸۰. فرهنگ هزاره. تهران: فرهنگ معاصر.
۲۱. حمیدی، جعفر. ۱۳۶۶. مهمان‌میزبان. مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی (۱۱): ۴۹-۵۱.
۲۲. خراطی، محمد بن جعفر. ۱۴۱۹ق. مکارم الاخلاق. قاهره: دارالافاق العربیه، چاپ اول.
۲۳. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷ش. لغتنامه دهخدا.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق. مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دارالعم، چاپ اول.
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر. ۱۴۱۰ق. ربیع الأبرار و نصوص الاخیار. قم: منشورات الشریف الرضی.
۲۶. شرف‌الدین، سیدحسین. ۱۳۹۴. سبک اهل‌البیت علیهم السلام در تفریحات و اوقات فراغت. دوفصل‌نامه اسلام و روان‌شناسی (۱۶): ۲۷-۵۴.
۲۷. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۲. سبک زندگی اسلامی ایرانی. تهران: آفتاب توسعه.
۲۸. صاحب بن عباد، اسماعیل. ۱۴۱۴ق. المحییط فی اللغه. بیروت: عالم‌الکتاب، چاپ اول.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل. ۱۳۷۲ش. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۰. فلسفی، محمدتقی. ۱۳۶۸. روایات تربیتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق. الکافی. تهران: اسلامیه چاپ چهارم.
۳۲. گیدنز، آنتونی. بی‌تا. تجدد و تشخص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
۳۳. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار. تحقیق جمعی از محققان. بیروت: احیاء التراث العربی، چاپ دوم.

۳۴. محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۹ ش. فرهنگ نامه مهمانی. ترجمه حمید رضا شیخی. تهران: دارالحدیث.
۳۵. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۴. مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۳۶. مفید، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ ق. الاختصاص. قم: مؤتمرالعلمی لشیخ المفید.
۳۷. منسوب به جعفر بن محمد امام ششم علیه السلام. ۱۳۶۰ ش. مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه در تزکیه نفس و حقایق و معارف الهی. ترجمه حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت.
۳۸. مهدوی کنی، محمد سعید. ۱۳۸۷. دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۹. نوری، حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۴۰. ورام ابن ابی فارس. ۱۴۱۰ ق. تنبیه الخواطر و نزهة الناظر. قم: مکتبه فقهیه.
۴۱. _____ . ۱۳۶۹. مجموعه وژام، آداب و اخلاق اسلامی. ترجمه محمد رضا عطایی. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.

